



دانشگاه - - - - - موشتر

عنوان درس:

تاریخ ایران بر اساس روایت ملی

عنوان تحقیق:

بررسی معماری مذهبی ایران باستان

استاد:

جناب دکتر عبدالعزیز موحد

محقق:

سید علی ضرغامی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران باستان

شماره دانشجویی:

۸۸۰۹۷۹۰۲۱

تابستان 89

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

عنوان
صفحه

چکیده

.....
1.....

..... مقدمه
3.....

..... تاریخچه معماری در ایران
5.....

..... معماری صخره ای
7.....

..... معماری مذهبی دوره مادها
9.....

..... معماری مذهبی دوره هخامنشیان
13.....

..... گور دخمه های هخامنشی
14...

..... معماری مذهبی دوره سلوکی
16

..... معماری مذهبی دوره اشکانیان
17.....

..... آثار معماری مذهبی دوره اشکانی
20.....

معماری مذهبی دوره ساسانی

2.....
2

معماری آتشکده های دوره

2.....ساسانی
3

فهرست

.....منابع
28.....

چکیده:

هنر در ایران به قدمت تاریخ است و معماری از کهن ترین هنرهاست. معماری ایران در طی تاریخ خود دارای ویژگی اصالت طرح و سادگی توأم با آرایش پر مایه بوده است. همانطور که می دانیم آنچه از نظر فنی اساس ساختمانهای سنتی به شمار می رود، موضوع بر پا کردن طاق بر روی دیوارهاست. از دیرباز انسان برای ایجاد سقف به دو طریق عمل می کرده است. طاق قوسی که در آن نیازی به بکار بردن چوب نیست و طاق مسطح که در آن از چوب و یا سنگهای تراشیده به شکل الوار استفاده می شود. در ساختن بناهای ایرانی عصر ماد و هخامنشی هر دو نوع پوشش، یعنی هم طاقهای هلالی و هم سطح متداول بوده است اما از شیوه نخستین در بناهای کم اهمیت تر و از طریق دوم در بناهای عظیم تر استفاده می شده است. به خلاف عصر ماد و هخامنشی، معماری رسمی ایران در دوران اشکانیان و ساسانیان از گنبد و ایوانهای قوس دار استفاده نموده است. گنبد و ایوان و طاق نما و طاقهای گهوارهای اساس ساختمانی معماری عصر ساسانی را تشکیل می دهد. از دوره اشکانیان، در معماری ایران ساختن گنبد متداول تر گشت. اما معماری دوره ساسانی سرشت اصیل تری دارد. در زمینه معماری مذهبی عصر ساسانی تاکنون تحقیقات مفصلی انجام گرفته است. آتشگاه های دوره ساسانی دارای چهار طاقی عظیم گنبد داری در وسط می باشند که مراسم اصلی در زیر گنبد برگزاری می شده است.

یکی دیگر از جلوه های معماری ایران باستان، معماری صخره ای است که از قدیم در ایران وجود داشته و نمودی از معتقدات دینی و همچنین مسکن بوده است. معماری صخره ای در زمان مادها بیشتر در ناحیه کردستان ایران و قسمتی از عراق کنونی و همچنین آذربایجان پراکنده است و اغلب جنبه مذهبی دارد.

دیاکونوف مورخ روسی با الهام از پروفیسور هرتسفلد اظهار می دارد که تجزیه و تحلیل معماری تخت جمشید و مقبره های صخره ای غرب و جنوب ایران، ما را متوجه این نکته می سازد که اساس و شالوده این بناها یک خانه عادی ایرانی است که اکنون نیز آثار آن در روستاهای ایران و آسیای میانه دیده می شود.

مقدمه:

معماری ایران چون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی ما، در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است. معماری ایرانی را باید از اعماق تاریخ این سرزمین مورد بررسی قرار داد. معماری ایرانی دارای ویژگیهایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر از ارزش خاصی برخوردار است. محاسبات دقیق، فرم پوشش، رعایت مسائل فنی و علمی در ساختمان، ایوانهای رفیع، ستونهای بلند و بالاخره تزئینات گوناگون، که هر یک در عین سادگی، معرف شکوه معماری ایران است.

یکی از عواملی که همواره بر معماری ایران تأثیر گذار بوده شرایط آب و هوایی فلات ایران بوده است. بطور مثال سبک معماری در شمال کشور و کوهپایه های با سبک معماری در جنوب ایران تفاوت دارد. هنرمندان ایرانی ثابت کرده اند که توانایی های بالایی دارند و بخاطر اثرهای تاریخی منحصر بفرد فراوانی که از خود بر جای گذاشته اند، شایان احترام بسیاریند. رونق و اعتلای معماری در ایران باستان گواه آن است که این سرزمین از کانونهای نخستین شهرسازی و نیز سدسازی و مهندسی بوده است. آثاری که جسته و گریخته از خلال نوشته های باستان شناسان بدست آمده روشنگر آن است که هنر و صنعت حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در این

مرز و بوم ریشه و نشان دارد. تمامی گستره ایران، بویژه روستاهای آن، اینک چون کتاب زنده ای از تاریخ معماری و هنر است. هر برگ این کتاب قطور، گنجینه جاودانه ای از معماری ما را در بر گرفته است.

کمتر روستایی در ایران وجود دارد که در آن، معابد باستانی با طاقهای ضربی یا هلالی به چشم نیاید. دیاکونوف مورخ روسی با الهام از پروفسور هرتسفلد اظهار می دارد که تجزیه و تحلیل معماری تخت جمشید و مقبره های صخره ای غرب و جنوب ایران، ما را متوجه این نکته می سازد که اساس و شالوده این بناها یک خانه عادی ایرانی است که اکنون نیز آثار آن در روستاهای ایران و آسیای میانه دیده میشود.

تاریخچه معماری در ایران

هنر هر قوم، بازگو کننده نحوه اندیشه، اعتقادات و سنتهای آن قوم است. هر چه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه دارتر باشد، تجلیات هنری آن ملت هم در طول تاریخ، بیشتر از نوسانات و گسستگی ها بر کنار می ماند. هنر معماری، بی شک یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر قوم و ملت است.¹

انسان در روزگاران بسیار دور در غارها یا پناهگاه های سنگی که در دامنه های پرداخت کوه ها که بوجود می آمد و بوسیله شاخ و برگ درختان مسقف می گردید زندگی می کرد و بعد از آن، انسان در هزاره پنجم پیش از میلاد، در دشت اقامت گزید.

قدیم ترین محل سکونت بشری که در دشت شناخته شده، منطقه «سیلک»، نزدیک کاشان و در جنوب تهران است،² که علائم سکونت اولیه انسان در آن نمایان است. در آن زمان، انسان هنوز طرز ساختن خانه را نمی دانست و در زیر آلودگی هایی که از شاخسار درختان درست شده بود زندگی می کرد و خود را محافظت می نمود و سپس خانه های محقری بر سر بقایای مساکن پیشین ساخته شد. بعدها در هزاره چهارم پیش از میلاد، پیشرفت هایی در این زمینه حاصل شد و خانه وسیع تر گردید. چینه ها، جای خود را به خشت های گلی داد و سپس آجرهای بیضوی، جای خود را به آجرهای صاف و مستطیل شکل داد و بدین ترتیب، معماری وارد مرحله تازه تری شد.

از دیرباز، انسان برای ایجاد سقف، به دو طریق عمل می کرده است:

طاق قوسی که در آن نیازی به بکار بردن چوب نبود و طاق مسطح که در آن از چوب یا سنگهای تراشیده طویل به شکل الوار استفاده می شد.³

1. اساتید و پژوهشگران ایرانی: معماری ایران، گردآوری آسیه جوادی، ج اول، انتشارات مجرد، ۱۳۶۳، ص ۱۱.

2. رومن گیرشمن: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۳، ص ۳۴.

3. اساتید و پژوهشگران ایران (گردآوری آسیه جوادی): معماری ایران، ج ۱، ص ۱۳.

از قدیم الایلام، در مناطقی که چوب فراوان بوده، سقف ساختمانها را با تیرهای تهیه شده از تنه درختان می پوشانده اند و روی آن را با شاخ و برگ درختان می پوشانده و سپس با قشر ضخیمی از گل، آن را اندود می کرده اند. هنگامی که خانه ها وسعت یافت و ایجاد تالارهای بزرگ لازم شد، متوجه شدند که این طاق های چوبی در زیر سنگینی بار مصالح بام، خمیدگی پیدا می کند و وسط آن به طرف پائین قوس بر می دارد. برای جبران این نقیصه، از چوب هایی برای نگهداری سقف و جلوگیری از خمیدگی آن به سمت پائین استفاده کردند و این اولین گام در بکار بردن ستون بود.¹

بکار بردن ستون در معماری ایران، سابقه ای کهن دارد. بعضی باستان شناسان معتقدند که این عامل را از شش هزار سال پیش بکار می برده اند ولی مهمترین بنایی که تاکنون شناخته شده و در آن تالارهای بزرگ ستون دار ایجاد نموده اند، دژ حسنلو، واقع در جنوب دریاچه رضائیه است که در سده نهم پیش از میلاد ساخته شده است.

بعد از بوجود آمدن بناهای ستون دار، این مشکل بوجود آمد که وجود تعداد زیادی ستون، مانع دید می شد و بویژه هنگام برگزاری آئینها و جشن ها و مهمانی ها تولید اشکال می نمود. به همین دلیل، نخست کوشیدند تا آنجا که میسر است ستونها را از هم دور کنند و برای نخستین بار در ایران، در شهر پارسه یا تخت جمشید بود که توانستند فاصله دو ستون را به حداکثر برسانند (نزدیک به 6 / ۴ متر).²

گرچه این پیشرفت، بسیار چشم گیر بود ولی برای برگزاری جشن ها و مهمانی ها به مکانی گسترده تر نیاز بود. در نتیجه معماران ایرانی بر آن شدند که طاق و گنبد را که خاص معماری ایرانی است، جانشین بامهای تخت کنند. طاق و گنبد در ایران، پیشینه های کهن دارد و معماران ایران باستان، نمونه های شگفتی از آن را در معبد زیرین چغازنبیل که از مصالح آن برای ساختن چغازنبیل استفاده شده و آرامگاه های بیرون شهر دورانتاش، به دست داده اند.³

معماری صخره ای:

از بر آمدگی یک صخره می توان تندیس تراشید یا صخره ای را مسطح کرد و نقوش برجسته ای در آن ظاهر ساخت. اکنون در صخره، حفره ای ایجاد می کنیم و بتدریج آنرا وسعت داده تا

1. اساتید و پژوهشگران ایرانی (گرد آوری آسیه جوادی): همان، ص ۱۴.

2. محمد کریم پیرنیا: تحقیق در معماری گذشته ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۸، ص 88.

3. محمد کریم پیرنیا: تحقیق در معماری گذشته ایران، ص ۹۰.

فضاهای مورد نیازمان بصورت خانه یا آرامگاه ایجاد شود. این محصول مبارزه انسان با صخره را در جهت ایجاد فضای مناسب، معماری صخره ای می گوئیم.¹

به عبارت دیگر معماری صخره ای از مصالح آزاد و معمولی ساختمان به وجود نمی آید، بلکه از صخره طبیعی است. معماری صخره ای را از نظر کالبد و فضا به دو نوع تقسیم می کنند:

۱) بناهایی که به کلی آزاد شده اند، یعنی ابتدا قسمتی از کوه را بریده و مجزا کرده و سپس در آن، فضاهای متعددی ایجاد کرده اند. در این بنا می توان پنجره و نورگیر تعبیه نمود مانند بسیاری از معابد هندی یا قبور نزدیک بیت المقدس.

۲) بناهایی که در درون کوه کنده شده اند و بنا، هیچگونه نما و پنجره ای نمی تواند داشته باشد مانند معماری صخره ای میمند.²

بناهای معمولی به آسانی و در اثر عوامل طبیعی و گذشت زمان و دست انسان ویران می شوند در صورتیکه در مورد معماری صخره ای، فقط یک دشمن آن را تهدید می کند و آن زمین لرزه ای شدید است. با این وجود زمین لرزه هم نمی تواند چندان خسارت بزرگی به آن وارد کند، زیرا از صدها محل کنده شده در صخره ها، فقط تعداد کمی ویران شده است. تعداد زیادی از آرامگاه ها و مساکن را که هنوز در ایران استوار مانده اند، مدیون معماری صخره ای هستیم که اطلاعات تاریخی مفیدی را در اختیارمان می گذارند.

تشخیص اولین محل معماری صخره ای کاری ناممکن است ولی همین قدر می توان گفت که ابتدا معماری صخره ای در مناطقی بوجود آمده که سنگها، استقامتشان کمتر بوده است. از معماری صخره ای با سنگ های کم استقامت، تقریباً اثری نمانده ولی حد سیات بر آن است که قدیم ترین نوع معماری صخره ای، ابتدا در آسیای صغیر بوجود آمده است.

1. اساتید و پژوهشگران ایرانی (گردآوری آسیه جوادی): معماری ایران، ج ۱، ص ۷۵.

2. اساتید و پژوهشگران ایرانی (گردآوری آسیه جوادی): همان، ص ۷۵.

معماری مذهبی دوره مادها:

مادها به علت مجاورت با امپراطوری بزرگی اورارتو و تاثیر پذیری از معماری پیشرفته آنها و با توجه به خصوصیات ساختمانی و معماری ایلامیها در ایجاد معماری خود کوشش نمودند.

معماری مادها از معماری دوره هخامنشی قدیم تر و از معماری بومی یعنی زمان قبل از آمدن مادها به ایران، تازه تر بوده و تصور می شود که مادها، معماری را از اهالی وان، پایتخت دولت آرات تقلید نموده باشند.¹ ولیکن چون همه چیز را مادها از آسوریها تقلید می کردند، این تصور بعید
به
می رسد، مگر اینکه خود آسوریها اقتباسی از «وان» کرده باشند و از طریق آنها، معماری مزبور به مادها سرایت کرده باشد.

آتشکده ها و دهکده های شاهی را در ایران باستان بر روی تپه ها بنا می کردند. در دهکده های شاهی، معابد ویژه پرستش مهر و ناهید وجود داشت. نقاطی را هم که هم اکنون به پلدختر یا قلعه دختر نسبت می دهند، همان پرستشگاه های باستانی ناهید یا فرشته آب است.

از معابد مهر که قبل از زرتشت در ایران رواج داشته، نمونه های چندی باقی است مثل صخره فخریکا در جنوب دریاچه ارومیه. به طور کلی معماری دوره مادها را می توان به دو دوره تقسیم کرد:²

۱) در دوره اول که این اقوام، بیشتر به کشاورزی و دامداری مشغول بودند و غیر از چادرنشینی تخصصی در ساختن بنا و ایجاد معماری نداشتند، معماری آنها ساده و ابتدایی و برگرفته از معماری اورارتو و آشور بود. به عنوان مثال می توان از گوردخمه صخره «داودختر» در فهلیان فارس و «قیزقاپان» نام برد.

با توجه به شکل ظاهری این گوردخمهها، می توان چنین استنباط کرد که از نظر شکل ظاهری، خانه های مردم عادی شبیه به این گوردخمه ها بوده و مصالح بکار برده شده در آنها از خشت و چوب بوده است.

1. حسن پیرنیا: تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه، تهران، سمیر، ۱۳۸۴، ص ۶۰.

2. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، تهران، عفاف، ۱۳۸۱، ص.

۲) بعد از تشکیل امپراطوری ماد و مشخص شدن یک سیستم حکومتی که در حقیقت با اتحاد همه قبایل ماد بوجود آمده بود، توسعه چشم گیری در همه شئون بویژه معماری صخره ای مادها به چشم می خورد.

چگونگی این هنر معماری را در گوردخمه ها یا آرامگاه هایی که در دامنه کوهها و صخرهها کنده اند، می توان مشاهده کرد. این گوردخمه ها که در شمال غربی ایران به ویژه در کردستان، آذربایجان امروزی و سلیمانیه عراق شناسایی شده اند، به وسیله پروفیسور هرتسفلد به عنوان آرامگاه های مادی معرفی شده اند.¹ آرامگاه های منسوب به دوره مادها را بر حسب نوع نمای ورودی آنها می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی نمود:

۱) گوردخمه هایی که در نمای ورودی آنها ستون های آزاد نمایان است، مانند گوردخمه فخریکا» و مقبرة «دکان داوود».

۲) گوردخمه هایی که در دو طرف نمای ورودی آنها، دو نیم ستون در کوه کنده شده است، مانند مقبرة «قیزقایان» و «داودختر».

۳) گوردخمه های ساده که در نمای ورودی آنها، ستون یا نیم ستونی ساخته نشده است. این نوع گوردخمه ها که در کردستان شناسایی شده اند، ورودی آنها مستطیل یا مربع شکل است.² گوردخمه های دوره ماد را می توان اینگونه معرفی نمود:

- آثار ده نو اسحاق وند (سکاوند)، در ناحیه سکاوند، در پانزده کیلومتری جنوب غربی هرسین باختران که سه اثر صخره ای در کنار هم از دوره مادها شناسایی شده است. اشخاص حجاری شده در بالای این گوردخمه از نظر شکل لباس، مادی بودن آن را ثابت می کند و هر تسفلد معتقد است این تصاویر مربوط به گئوماتای مغ است.

- گوردخمه صحنه، در سراب صحنه، ۶۰ کیلومتری کرمانشاه، بر سر راه همدان به کرمانشاه که

1. علی اکبر سرفراز، بهمن فیروزمندی: همان، ص 63.

2. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: همان، ص ۶۴.

- شامل دو اثر صخره ای به فاصله صدمتر بر سینه کوه است.
- گوردخمه دکان داوود: در جنوب شرقی سرپل ذهاب، که در زیر این مقبره به فاصله ۵ متر تصویر مردی بر سنگ حجاری شده که لباس مادی بر تن دارد.
 - گوردخمه فخریکا: در شمال شرقی مهاباد، بر سر راه مهاباد به میاندوآب.
 - گوردخمه قیزقایان: در دهکده سورداشی نزدیک سلیمانیه عراق.
 - گورخمه کورخ کیچ: این گوردخمه که توسط کردها گوردخمه دختر و پسر نامیده می شود در ۲۵ کیلومتری قیزقایان در سلیمانیه عراق است.
 - گوردخمه داودختر (دیودور): این گوردخمه در فهلان، ممسنی فارس واقع است.
 - آثار صخره‌ای دیره که بین راه دیره و سرپل ذهاب واقع است.
 - گوردخمه روانسر بر سر راه کرمانشاه به پاوه.

* معماری مذهبی دوره هخامنشیان

هخامنشیان پس از استقرار و ایجاد امپراطوری خود، به بنای کاخها، معابد و آرامگاه هایی پرداختند که هر یک از عالی ترین شاهکارهای معماری به شمار می روند. معماری دوره هخامنشی صنعتی است ترکیبی که هر قسمتی از آن از مملکتی اقتباس شده و سهم ایرانی آن، چیزهایی است که این سلیقه های مختلف را به هم ربط داده و بین آنها تناسبی زیبا ایجاد نموده است. در واقع شاهان هخامنشی از مهارت و استادی ممالک تحت فرمان خویش به نحو احسن بهره می گرفتند و از این جهت، در آثار معماری دوره هخامنشی تاثیر سایر ملل دیده می شود.

البته استفاده از تجربیات و هنر ملل تابعه، نه به صورت تقلیدی، بلکه به گونه الهام پذیری و خلاقانه، مختص دوره هخامنشی نیست. مآدها نیز پیش از آن، از تجربه و هنر اورارتویی استفاده کردند. در واقع هنر معماری دوره هخامنشی، ادامه یک هنر ملی بود. معماری هخامنشی با وجود اقتباسات مذکور، ویژگی هایی دارد که بواسطه آن، از صنایع ملی به شمار می رود. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

اول، تناسبی که بین عناصر اقتباس شده از ممالک مختلف برقرار کرده اند.

دوم، عظمت و بزرگی بناهاست. چون این عظمت در هیچ جا سابقه نداشته است و سوم کثرت تجمل و تزئینات بناهاست.

گوردخمه های هخامنشی:

آرامگاه های صخره ای هخامنشی از نظر شکل ظاهری یکسان می باشند. ظاهر آنها شبیه صلیب یونانی بوده و بلندیشان از ۲۴ متر تجاوز نمی کند.^۱ نمای آنها از سه بخش تشکیل یافته است:

۱. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر ایران، ص ۱۴۷.

بخش زیرین این آرامگاه ها عموماً به صورت متوازی الاضلاع تراشیده شده و هیچ گونه تزئینی یا کنده کاری در آن صورت نگرفته و در بخش دیگر، روی هم رفته نمای بیرونی کاخ را نشان می دهد. بیشتر آرامگاه های صخره ای هخامنشی در نقش رستم قرار داشته و نخستین نمونه آن، آرامگاه داریوش اول است که در زمانهای بعد، در ساختن گوردخمه های هخامنشی از آن تقلید نموده اند. سقف اتاق آرامگاه ها به صورت شیروانی تراشیده شده که از لحاظ روش معماری، پوشش آرامگاه کوروش در پاسارگاد و پوشش قبرهای گورستان تپه سیلک را به خاطر آورده و قابل مقایسه با آنها می باشد.

نمای بیرونی آرامگاه شبیه سردر ورودی کاخ است و بر سطح دیوار آن، ستونها و نقوشی دیده می شود. نمای خارجی و طرز ساختمان آرامگاه های هخامنشی، یکسان و عبارتست از یک مجلس حجاری به پهنای در حالیکه دست راست خود را به حال نیایش بلند کرده است و در دست دیگرش کمانی دارد، نشان می دهد. اریکه شاهی روی دست نمایندگان ملل تابعه قرار گرفته و بدینوسیله گسترش امپراطوری هخامنشی را نمودار ساخته است.

آرامگاه های موجود در نقش رستم شامل آرامگاه داریوش اول، خشایارشا، اردشیر اول و داریوش دوم بوده و تمام این دخمه ها از روی یک نمونه ساخته شده اند. درون آرامگاه داریوش، جای ۹ قبر در سه ردیف و یک راهرو دیده می شود. روی هر قبر، سنگ محدبی به قطر ۲۵ سانتی متر گذاشته اند. برای حفظ اجساد از رطوبت و سرایت آب به درون قبرها، دورتادور سنگهای قبر، مجرای تراشیده بودند که تراوشات آب را به خارج بریزد.

آرامگاه های اردشیر دوم و اردشیر سوم نیز مانند همین دخمه ها و در دامنه کوه رحمت در تخت جمشید کنده شده و در داخل اتاق آرامگاه اردشیر دوم دو قبر سنگی و در اتاق آرامگاه اردشیر سوم سه قبر سنگی موجود است. در جنوب تخت جمشید آرامگاه داریوش سوم قرار دارد که ناتمام مانده و فقط در قسمت بالای آن، نقش شاه را در مقابل آتشدان نشان می دهد. از روی نمای آرامگاه داریوش سوم در جنوب تحت جمشید که در عرض ۶ سال پادشاهی او فقط مختصری از حجاری نمای خارجی آن صورت گرفته می توان حدس زد که بیش از ده سال طول می کشیده تا هر یک از این آرامگاه ها ساخته شود.

با وجود اینکه آرامگاه کوروش در پاسارگاد احتمالاً از لحاظ شیوه معماری از زیگورات چغازنبیل الهام گرفته ولی هخامنشیان در ایجاد مقابر صخره ای کهاز گوردخمه های مادی الگو گرفته اند.

اساساً تفاوت مقبره های نقش رستم به آثار مادها این است که مدخل آنها با نیمه ستونهایی بنا شده است که عمق مکانی ندارند.¹ سنگهای تراشیده ایجاد شده بود.² بنای مذهبی دیگری نظیر این آتشگاه، تقریباً بدون خرابی، در نقش رستم باقی مانده است. این بنا که از سنگ آهک سفید ساخته شده، در سه طرف آن سه ردیف پنجره بسته از سنگ سیاه ساخته شده که پایین ترین آنها، بزرگترین آنها می باشد. این سه ردیف پنجره در ظاهر، برج را به چند طبقه تقسیم نموده اند. حال آنکه این ساختمان در قسمت تحتانی خود، پر بوده و تنها یک اتاق مرتفع در بالا دارد. در یک سمت آن پلکانی وجود دارد که به دری ختم می شود. درون اتاق آن دو آتشدان سنگی قرار دارد که به هنگام انجام مراسم مذهبی از آن استفاده می شده است.³ ارتفاع کل ساختمان حدود ۱۱ متر و پهنای آن حدود ۷ متر است.⁴ بنابر نظر پژوهشگرانی چون گیرشمن، برج نقش رستم عبادتگاهی متعلق به ایزد ناهید بوده و ایزدان دیگر مانند اهورا مزدا و میترا نیز در این عبادتگاه پرستش می شده اند.⁵

معماری مذهبی دوره سلوکی:

مهمترین آثار هنری دوره سلوکیان را می توان در معماری و شهرسازی آنان دید. ایرانیان طرفدار هنر، در دوره سلوکی در خدمت تشکیلات سلوکیان در آمدند و هنرمند ناچار بود بر طبق ذوق و سلیقه آنان کار کند که در نهایت یک هنری را ارائه دادند که نه هنر صرفاً یونانی بود و نه هنر صرف ایرانی. بلکه ترکیبی بود از هنر یونانی و ایرانی.⁶

مهارت دوره سلوکی آنچنان که آثار به جامانده از بناهای این دوره نشان میدهد، تجسمی از آمیختگی فرهنگی و هنری ایران و یونان است. این آثار، برخی از ویژگی های هنر ایرانی و یا ترکیب دو هنر ایرانی و یونانی و سرانجام هنر هلنی را به نمایش می گذارند. مهمترین اثر معماری مذهبی این دوره، معبد نور آباد است که تقلیدی است از معابد هخامنشی پاسارگاد و نقش رستم ولی با ابعاد محدودتر و

۱. ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف: تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸.

۲. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر ایران، ص ۱۴۲.

۳. محمود جعفری دهقی: بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۸۰.

۴. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: همان، ص ۱۴۲.

۵. محمود جعفری دهقی: همان، ص ۸۱.

۶. عباس قندیانی: تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلوکیان، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴، ص ۸۱.

با بعضی تغییرات که مربوط به بدعتهایی بود که در دین پدید آمده بود. طرح معبد، ایرانی دست و اهمیت آن مخصوصا در تزئین چهارچوب های در است که طبق سنن تخت جمشید توسط دو نقش برجسته تزئین شده است.¹

معماری مذهبی دوره اشکانیان

در آثار معماری مذهبی پارتیان، تاثیر معماری سنتی و کهن ایرانی به وضوح نمایان است. علاقه پارتیان به فرهنگ ایرانی، موجب پیدایش سبکی در معماری ایران موسوم به سبک پارتی شد که بعدها نیز اثر خود را بر معماری ساسانی و دوره اسلامی به جای گذاشت.

به طور اختصار، بنای ایران سراسری بزرگ، طاقهای استوانه ای، گنبدها، ستونهای احداث شده در ساختمان هایی که غالبا دورادور یک حیاط را می گرفتند، همه از خصوصیات معماری پارتیان است که حدود پنج قرن در ایران رواج داشته و به حدی تاثیر آن زیاد بوده که شهر گور (فیروز آباد) اولین پایتخت ساسانی از ساختمانهای سبک پارتی ساخته شده است.² معابد پارتی، بسیاری از جنبه های معماری این دوره را نشان می دهد. از معابد پارتی نسا و تکسیل و همچنین ساختمانهای معابد در شهرهای بین النهرین می توان درباره معماری این بناها قضاوت کرد. با اینکه در مصالح ساختمانی و جزئیات معماری و تزئینی ابنیه مذکور تفاوت هایی وجود دارد، اما دارای وجوه اشتراکی نیز می باشند.

همه آنها بر سکو گونه ای ساخته شده اند و از اتاق مربع یا مستطیل شکل مسدودی که توسط دالان طاق دار از دیوار خارجی جدا می شده، تشکیل شده اند. در بسیاری از معابد، پیش از این اتاق، در گاه ستون داری قرار داشته است. پلکانی هم در دیوار خارجی معبد ساخته می شد که به
بام
منتهی می گشت و بر روی بام، آتشگاهی که در آن آتش مقدس شعله ور بود قرار داشت. نقشه معابد

1. محمدرضا تقوی نژاد دیلمی: معماری، شهرنشینی و شهرسازی ایران در گذر زمان، تهران، فرهنگ سرا، ۱۳۶۶، ص ۸۱.

2. محمدرضا تقوی نژاد دیلمی: همان، ص ۹۱.

پارتی به طور کلی دنباله سنتهای ساختمانی دوره هخامنشی بوده که در این نوع بناها معمول داشته اند. کالج، ضمن تشریح خصوصیات معماری معابد و پرستشگاه های پارتی، آمیختگی شیوه های مختلف هنری و معماری بکار رفته در آنها را روشن می سازد و می گوید:

معماری دینی اشکانیان به تعداد رسوم و آئین آنها پرتنوع بود.¹

طی نخستین سده میلادی، معماران اشکانی با در هم آمیختن تاثیرات و شیوه های معماری گوناگون، سبکی بدیع و غنی بوجود آوردند که در آن، شیوه های معماری شرقی نقشی تعیین کننده داشت. در بین النهرین عصر پارتیان، چندین معبد که از آجرهای بسیار زیبا ساخته شده، در شهر اوروک کشف شده است که در نمای بیرونی این معابد، تزئیناتی ویژه این دوره به چشم می خورد. نیم ستونهایی که جبهه بیرونی معبد را به بخش هایی تقسیم می کند از ویژگیهای این معابد است. تزئینات این معابد، معرف ابعاد گوناگون باورهای مذهبی مردم آن زمان است. به همین دلیل در تزئینات این معابد، نقوش

جانورانی که جایگاه هایی بسیار متفاوت در میان باورهای آریایی ها، پیش از روی کار آمدن اشکانیان دارند مانند سگ و اژدهای بالدار با دم بلند دیده می شود.²

در آثار معماری هخامنشیان، نقوش جانوران از اصلی ترین و مهمترین بخش های هنری آن بوده است. بازگشت به سبک های هنری ایران عصر هخامنشی، از آرزوهای اشکانیان بوده و در این راستا تلاش بسیاری کرده اند. گچ بری ها ویژه اماکن دینی بوده و نقوش آنها قابل مطالعه و بررسی هستند زیرا مطالعه این نقوش اگر با دقت صورت گیرد، زوایای دیانت پارتیان را تا حدی روشن ساخته و بسیاری از ابهامات را از بین می برد. طاق در هنر معماری اشکانی، به ویژه در معماری معابد و سایر اماکن مذهبی آن دوره خیلی اهمیت داشته و دقت و مهارت خاصی می طلبیده است. پس از سقوط اشکانیان، شیوه طاق زنی آنان در معماری عصر ساسانی و حتی در دوره اسلامی دنبال شد. نکته دیگری که در مورد معماری عبادتگاهها، آتشگاهها و سایر اماکن مذهبی پارتیان می توان گفت، مربع شکل بودن آنهاست، که برگرفته از معماری آتشگاه ها و معابد دوره هخامنشی است که اشکانیان در راستای بازگشت به هنر معماری سنتی ایران، آن را

1. محمدرضا تقوی نژاد دیلمی، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، ص ۹۷.

2. اردشیر خدادادیان: تاریخ ایران باستان، جلد دوم، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱۶.

وام گرفته اند. نکته جالب دیگری که مکمل این ادعاست این است که علیرغم ناسازگاری ساسانیان با همه ابعاد فرهنگی اشکانیان، همین شیوه معماری در مورد اماکن مذهبی و آتشگاه های دوره ساسانی ادامه یافته با این تفاوت که مختصر تغییری در کاربرد مصالح، وسعت حیاط معابد و زیباکاری و گچبری آن داده اند و گر نه اصل معماری و محتوای آن، از همان نمونه هخامنشی الگو گرفته شده که از هخامنشیان به اشکانیان و از اشکانیان به ساسانیان رسیده است.¹ در همه آتشگاهها، معابد و سایر اماکن مذهبی اشکانیان، مکان های ویژه ای در اندرونی ترین قسمت آن بنا، جهت حفظ و نگهداری متعلقات معابد مانند ظروف، عتیقه جات و زیور آلات که عمدتاً هدایای مردم به این معابد بودند در نظر گرفته شده بود که این شیوه و اهمیت دادن به متعلقات معبد در نزد همه اقوام و ملل شرقی مانند سومریان، بابلیان و عیلامیان و نیز مصریان معمول بوده است.

آثار معماری مذهبی دوره اشکانی:

(۱) معابد:

از آثار مهم معماری مذهبی دوره اشکانی می توان به خرابه های معبد بزرگ کنگاور اشاره نمود که شباهت زیادی به معابد یونانی دارد. این معبد که در ۹۶ کیلومتری کرمانشاه و ۹۰ کیلومتری همدان قرار دارد یکی از بناهای مذهبی دوره اشکانی است که چند ستون از آن باقی مانده و تاثیر معماری خامنشی در آن نمایان است.² در واقع معبد کنگاور از نظر ساختمان مخلوطی از سبک ایرانی و یونانی بوده است. در این بنا، قطعات سنگی به تقلید از تخت جمشید بکار رفته اما ستونها دارای سرستونهایی به سبک یونانی است.³ این معبد که به صورت چهار ضلعی بنا شده، بر فراز آن ستونهایی بسیار عظیم و شگفت انگیز استوار است. در مرکز این صفحه، معبدی به طرح یونانی بر پا بود. این معبد که پیشتر به معبد آناهیتا معروف و متعلق به الهه باروری، زاد ولد و تندرستی ایرانیان یعنی آناهیتا بوده و بر پایه همین معبد، معبد کنگاور ساخته شد.⁴ این معبد آناهیتا احتمالاً مربوط به دوره اردشیر دوم هخامنشی، پسر داریوش دوم می باشد.

1. اردشیر خدادادیان: تاریخ ایران باستان ج ۲، ص ۱۲۱۹.

2. محمود جعفری دهقی: بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، ص ۱۷.

3. عباس قندیانی: تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی در دوره اشکانی، ص ۲۰۴.

4. اردشیر خدادادیان: تاریخ ایران باستان، ج ۲، ص ۱۲۱۶.

به این ترتیب کارهای سنگی این بنا به سبک و شیوه معماری هخامنشی است و ستونها از سبک یونانی الهام گرفته شده است. ساختمان این معبد به آخرین سده های پیش از میلادی می رسد و از زیبایی و پڑهای بهره مند است. در همدان نیز معبدی به نام آناهیتا وجود دارد که ستون های آن شبیه به ستونهای یونانی است.¹

آنچه هم که شاید قدیم ترین نمونه آتشکده گنبددار باشد از عصر پارتیان است. این بنای کوچک که به رباط سفید معروف است،² در چهل و پنج کیلومتری خاوری مشهد واقع شده و دارای گنبدی بر چهار طاق است. از لحاظ شویه ساختمانی و معماری ابتدایی است. نقشه آن نامنظم است با اضلاعی نابرابر و دیوارهای قطور و گنبدی که شکل شلجمی بناهای ساسانی را ندارد.

(۲) مقابر و آرامگاه ها:

مقابری از دوره اشکانی در ایران کشف شده است. از جمله تعدادی از آرامگاه های اشکانی در قیزقاپان در کردستان عراق که درون آنها، اتاقک هایی به هم پیوسته در دل سنگ تراشیده شده است. نمای خارجی این مقابر که مزین به سرستونهای ایرانی است به سرستونهای شهر نسا شباهت دارد و ترکیب هنر معماری ایرانی و یونانی را نشان میدهد. معمولاً در جلوی گور معبدهای دوره اشکانی، نمونه هایی از تندیس های انسانی یا دیگر نقوش وجود دارد. از این نوع گور معبدی در خارج از ایران نمونه هایی دیده شده است، از جمله در نسا در ترکمنستان و پالمیر در سوریه. در داخل ایران در جزیره خارک دو گور معبد شناسایی شده است.

در این جزیره اقوام پالمیری از بناهای معروف به گور معبد برای قرار دادن اجساد استفاده می کردند. تصور می رود از این رو بنا برای نیایش و انجام مراسم مذهبی نیز استفاده می شده است.³

اجساد را در تابوت های چوبی قرار داده و در گور معبد نگهداری می کردند. جایگاه تابوتها کشویی بوده و وضع ظاهری آنها نشان میدهد که این تابوت ها ثابت نبوده و در موقع لزوم می توانستند به سادگی آنها را از جایگاه خارج ساخته و به مکان دیگری ببرند.

1. حسن پیرنیا: تاریخ ایران قبل از اسلام، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰، ص ۱۷.

2. آرتور پوپ: معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران، ۱۳۸۲، ص ۵۰.

3. یعقوب محمدی فر: باستان شناسی و هنر اشکانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷، ص ۵۷.

معماری مذهبی دوره ساسانی:

فرهنگ و هنر ساسانیان، دنباله روی هنر هخامنشی و پارتی است اما در هنر معماری و حجاری و

گچبری و مخصوصا ساختن طاقهای گنبدی و تالارهای وسیع بدون ستون، کاملا برتری خود را نسبت به دوره های قبل نشان داده اند. در معماری دوره ساسانی شاهد یک تحولی در امر ساختمان می باشیم و آن استفاده از پوشش های مختلف طاقی شکل است که به صورت گنبد و طاق های استوانه ای یا نعلی شکل نمایان شده و با وجود و صالح مختلف معماری، مانند خشت، آجر یا لاشه سنگ، به خوبی از عهده این کاربر آمده اند. در واقع ساسانیان با استفاده از این شیوه معماری و احداث طاق های آجری به جای پوشش مسطح، خود را از قید استفاده از ستونهای عظیم درون ساختمان رها نموده اند و بدین ترتیب میدان دید وسیع تری در بناهای خود ایجاد کرده اند. چنانکه در تالار مدائن با حدود ۷ متر طول و ۲۶ متر عرض، وسعتی حدود نصف تالار صد ستون خشایارشا در تخت جمشید داشته که بدون وجود ستون، مسقف شده بود.^۱

در بنای معابد این دوره تغییراتی صورت گرفت. تالار مرکزی آتشکده ها مربع و محصور به چهار دالان بوده است. بزرگترین آنها از لحاظ ابعاد، آتشکده ای است که در بیشاپور کشف شده است.^۲

در فیروز آباد در جنب آتشکده، برجی بر پا بوده که به هنگام تشریفات در رأس آن آتش در هوای آزاد میسوخت. در این دوره، اموات را در برجهای خاموشان قرار می دادند و پس از ریزش کامل گوشتها، استخوانها را در منسوجی می پیچیدند و در استودانها در آرامگاه هایی که در کمر کوه حفر می کردند و یا در اتاق های مخصوص تدفین جای می دادند. قطعات متعدد این استودانها که از گل پخته ساخته شده، در ترکستان روسیه بدست آمده و متعلق به اواخر عهد ساسانی است. اما در ایران به جز دو استودان سنگی شناخته نشده است. یکی از آنها استودان بیشاپور است که با نقوش برجسته مزین می باشد و حجاری آن بسیار ساییده شده و تقریبا فاقد طرح است.^۳

۱. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر ایران، ص ۲۷۸.

۲. رومن گیرشمن: ایران از آغاز تا اسلام، ص ۳۷۰.

۳. رومن گیرشمن: همان، ص، ۳۸۰.

معماری آتشکده های دوره ساسانی:

آتشکده، محل نگهداری آتش و مکان تشریفات مذهبی و نیایش بوده است. پیش از ساسانیان، در زمان هخامنشیان، آتش در فضای آزاد و بر روی سکوه‌های بلند مشتعل می شد، اما بعدها با توسعه دین زرتشت و اعتقاد به اینکه نور آفتاب نباید بر آتش بتابد، این شعله مقدس و مورد احترام بشر اولیه، در زمان ساسانیان زیر سایبانی قرار گرفت.¹

که آنرا به شکل بنایی چهار در که معمولا درهای آن طبق جهات درجه تنظیم شده بود و بنام چهار طاقی معروف است ساخته می شد.

شکل آتشکده ها تا زمان ساسانیان مختصر تفاوتی حاصل کرده است ولی عموماً آتشکده ها به صورت چهار طاقی ساده بودند.

گذشته از کاخهای شاهی در دوره ساسانی، آتشکده ها مهمترین بناهای هر ناحیه و شهری بوده اند و هر آبادی کوچک و بزرگی به فراخور جمعیت و اهمیت و آبادانی خود، آتشکده‌های داشته که بسیاری از آنها هنوز در ایران و خارج از ایران هست و بسیاری از آنها را در دوره اسلامی به مسجد و حتی زیارتگاه و امامزاده بدل کرده اند.²

گرچه آتشکده های دوره ساسانی به نسبت اهمیتشان درجات متفاوتی داشتند، اساس ساختمان آنها یکسان و منطبق بر نقشهای واحد بوده است. کریستن سن می نویسد: «شکل بنای آتشکده ها در همه جا یکسان بود. آتشدان در وسط معبد قرار داشت و آتش مقدس در آن می سوخت.³

بنای چهار طاقی آن به طور کلی مشتمل بر چهار پایه استوار است که عموماً از سنگ ساخته شده و روی آنها چهار لنگه طاق ضربی از همان نوع سنگ احداث گردیده است. پوششی گنبدی بر فراز چنین بنایی می زده اند و در چهار جانب آن چهار درگاه قرار داشت. چنین ساختمانی محل افروختن آتش بود. در آتشکده های روستاها و مراکز مذهبی مهم تر، بنای چهار طاقی بوسیله دهلیزهایی که چهار طرف آنرا احاطه می کرد به صورت بنایی بزرگتر در می آمد. نه

1. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر ایران، ص ۲۸۷.

2. سعید نفیسی: تاریخ تمدن ساسانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵.

3. آرتور کریستن سن: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴.

تنها سابقه معماری چهار طاقی به پیش از ساسانیان بر می گردد بلکه به طور کلی باید ریشه های هنر و معماری عهد ساسانی را در دوره اشکانی جستجو کرد.

گیرشمن با بررسی معماری دوره ساسانی ضمن بیان اهمیت معماری این دوره و ارائه شواهدی از تاثیر آن بر معماری خارج از مرزهای ایران، معماری ساسانی را عمیقاً مربوط به سنن ملی و دنباله دوران پارت دانسته است. بدین ترتیب او ضمن تایید اصالت معماری ساسانی، همچنانکه اثر هنر همسایگان را در آن نفی نمی کند، به اثر متقابل آن در معماری مغرب زمین نیز توجه دارد. اساساً روش گیرشمن در مطالعه آثار معماری ایران متذکر این واقعیت است که ارتباط فرهنگی ایرانیانبا همسایگان به ویژه رومیها به سبب جنگهایی پیاپی ساسانیان با آنها و روابط تجاری آنان، اجتناب ناپذیر بوده و اثر هنر بیگانگان در بناهای دوره ساسانی و متقابلاً تاثیر هنر ایرانیان بر آثار همسایگان، یکی از پیامدهای این روابط فرهنگی است و معماری همچون دیگر پدیده های هنری تکامل خود را مدیون همین روابط است.

مهمترین آتشکده های دوره ساسانی، آتشکده آذرگشنسپ در آذربایجان، آتشکده آذربرزین مهر بن مهر

در ریوند خراسان و آتشکده آذرفرنغ در کاریان فارس بوده است.¹

در بین سه آتشکده فوق آتشکده آذرگشنسپ در محل تخت سلیمان آذربایجان از همه مهمتر و متعلق به شاهان و لشکریان ساسانی بوده است. نکته ای که در معماری این آتشکده از هر چیز دیگر جالب تر است، استعمال آجر و سنگ در بنای این آتشکده است. پی بنا و سکو و جرزه های اطراف آتشکده را با سنگهای حجاری شده ساخته اند و بعد روی آن آجر کار کرده اند و گاهی هم برعکس، آجرها را در قسمت تحتانی کار کرده اند و چنین به نظر می رسد که ساختمان اصلی و اولیه آتشکده با آجر بوده و استعمال سنگ در این بنا مربوط به دوران مرمت بعدی است.

مسعودی در مروج الذهب وصفی از آتشکده های ایران دارد و بنا به گفته او آتشکده ای در طوس بوده که به فریدون نسبت می داده اند و دیگری در کرکویه سیستان بوده و آتشکده های دیگری در سیروان و ری که در آن بت هایی وجود داشته و انوشیروان آن بت ها را بیرون برده و گویند وقتی انوشیروان به این آتشکده رسید چون آتش بزرگی در آن بود، از آنجا به هر جایی که معروف به برکت بود برد و آتشکده دیگری بود که آنرا «کوسجه» می گفتند و ساختمان آنرا به

1. علی اکبر سرفراز - بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر ایران، ص 288.

کیخسرو نسبت می دهند. در شهر بیشاپور فارس هم آتشکده ای است که به دارای پسر دارا نسبت می دهند. در شهر گور در فارس هم آتشکده ای هست که اردشیر پسر بابک ساخته و چنانکه مسعودی گوید در سرزمین عراق در بغداد هم آتشکده های بوده که پوران دختر خسرو پرویز ساخته و آتشکده های دیگری هست که مغان در سرزمین عراق و فارس و کرمان و سیستان و خراسان و طبرستان و آذربایجان ساخته اند.¹

از زمان اردشیر بابکان بنای مهمی که از آن بقایایی مانده آتشکده فیروز آباد است که ساختمان آن چهار گوش بوده و روی چهار ستون آن گنبدی ساخته بودند و همه بنا را روی صفا تراشیده ای از سنگ که پایه کوهی بوده ساخته اند و پیداست عمده آنجا ساخته اند که بلند باشد و در چهار طرف آن چهار پلکان است. دیوارهای آن را بسیار کلفت گرفته اند و اساسا اینگونه دیوارهای کلفت از خصایص عمده معماری دوره ساسانی است و در شهر شوشتر هنوز بیشتر دیوارها همین حال را دارد.²

از دیگر آتشکده ها و بناهای مذهبی دروه ساسانی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

آتشکده جره در فارس، آتشکده نیاسر در کاشان، آتشکده کازورن، آتشکده برزو در اراک،

آتشکده اصفهان و نیز آتشکده ای در یزد که به زیارتگاه بدل شده و امروز بنام دوازده امام

معروف است.³

1. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معاون الجوهر، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۴.

2. سعید نفیسی: تاریخ تمدن ساسانی، ص ۲۴۳.

3. سعید نفیسی: همان، ص ۱۱۸.

فهرست منابع:

1. پوپ، آرتور: معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران، ۱۳۸۲.
۲. پیرنیا، حسن: تاریخ ایران قبل از اسلام، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰.
۳. پیرنیا، حسن: تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجار، تهران، سمیر، ۱۳۸۴.
۴. پیرنیا، محمد کریم: تحقیق در معماری گذشته ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۸.
۵. تقوی نژاد دیلمی، محمدرضا: معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۶.
۶. جعفری دهقی، محمود: بازشناسی منابع و مأخذ تاریخ ایران باستان، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
7. جوادی، آسیه: معماری ایران (شامل مقالات اساتید و پژوهشگران ایرانی) انتشارات مجرد، ۱۳۶۳.
8. به خدادادیان، اردشیر: تاریخ ایران باستان، جلد اول و دوم، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
9. دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ: تاریخ ماد، ترجمه روحی ارباب، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۰. دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ: تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۱. رکوعی، عزت الله: سرزمین ما، مروری بر تاریخ و معماری ایران، تهران، نشر کیوان،؟
۱۲. سرفراز، علی اکبر- بهمن فیروزمندی: باستان شناسی و هنر دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، تهران، نشر عفاف، ۱۳۸۱.

۱۳. قدیانی، عباس: تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلوکیان و اشکانیان، تهران، فرهنگ

مکتوب، ۱۳۸۴.

۱۴. قدیانی، عباس: تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴.

۱۵. کالیکان، ویلیام: باستان شناسی و هنر دوران مادها و پارس ها، ترجمه گودرز اسعد بختیاری تهران، نشر پازینه، ۱۳۸۳.

۱۶. کخ، هایدماری: از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، نشر کارنگی، ۱۳۷۷.

۱۷. کریستن سن، آرتور: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸.

۱۸. گیرشمن، رومن: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، نشر معین، ۱۳۸۳.

۱۹. محمدی فر، یعقوب: باستان شناسی و هنر اشکانی، تهران، انتشار سمت، ۱۳۸۷.

۲۰. مسعودی، علی بن حسین: مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی

و فرهنگی، ۱۳۷۴

۲۱. نفیسی، سعید: تاریخ تمدن ایران ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جربزه دار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.